

## اصل حاکمیت قانون شریعت (بخش ۱۴)

در اسلام ارزشها و ضد ارزشها، باید‌ها و نبایدها، احکام و مجازاتی وجود دارند که در قرآن و سنت صحیح نوع و میزان و کیفیت آن تعیین شده‌است، و باید ابزاری وجود داشته باشد که این احکام و این مجازاتها و حدود را در جامعه پیاده کند. به عنوان مثال:

- الله تعالی به عنوان ابزاری جهت رسیدن به «أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ» امر می‌کند «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» (توبه / ۱۰۳). از اموال آنان زکات بگیر تا بدین وسیله ایشان را پاک و پاکیزه کنی. و زکات در طلا و نقره، زراعت، میوه‌جات، حیوانات و معادن و مال التجارة (که جای اختلاف است) تعیین شده‌اند با حد نصاب و میزان مشخص و معلومی.

حالا چه کسی باید این حکم و امر الله تعالی را اجرا کند؟ بخصوص در مورد کسانی که نمی‌خواهند این حق ۸ گروه از اعضای دارالاسلام را از موالشان جدا کنند و می‌خواهند به اصطلاح مال اینها را بخورند: **إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَّاتِ فُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ** (توبه / ۶۰) «زکات مخصوص ۱- فقراء، ۲- مساکین، ۳- کارگزاران آن، ۴- کسانی که جلب محبتشان (برای اسلام) می‌شود، ۵- (آزاد کردن) بندگان ۶- (پرداخت بدهی) بدهکاران، ۷- (صرف) در راه خدا(مثل جهاد، تبلیغ و رواج دین خدا و...) ۸- و به راه درماندگان در راه می‌باشد. این یک فریضه مهم الهی است و خدا دانا و حکیم است».

این امر واجب و فریضه یکی از ارکان و فرایض اسلام و حق الناسی است که کسی نمی‌تواند از زیر بار پرداخت آن فرار کند: از ابن عمر روایت است که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرمود: **بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ** «اسلام از پنج رکن تشکیل شده است، شهادتین (لا إله إلا الله و أن محمدًا رسول الله) و برپاداشتن نماز و دادن زکات و حج و روزه رمضان»<sup>۱</sup> حالا اگر کسی گفت من این زکات واجب که حق این ۸ گروه است را نمی‌دهم و این رکن و فریضه متعلق به حق الناس را انجام نمی‌دهم چه ابزاری باید این حق را از این مجرم مال مردم خور بگیرد؟

<sup>۱</sup> متفق علیه: مسلم (۱۶ - ۲۰ - ۱/۴۵) و بخاری.

قطعاً این کار افراد متفرقه و گروه‌های متفرق نیست، بلکه تنها کار دولت و قدرت حکومتی است.

- الله تعالی در مورد فریضه‌ی جهاد با کفار و امر واجب ترساندن کفار با قدرت نظامی به عنوان ابزاری بازدارنده امر فرموده که: **وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ** برای (جهاد با) آنان تا آنجا که می‌توانید نیرو و قوت و (از جمله) اسب‌های ورزیده آماده سازید، **تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ** (انفال/۶۰) تا بدان (آمادگی نظامی و ساز و برگ جنگی) دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید، و کسان دیگری جز آنان را نیز به هراس اندازید که ایشان را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد.

بعد در مورد مصارف خمس که یکی از ثمرات این جهاد است می‌فرماید: **وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ** **إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ** (انفال/۴۱) (ای مسلمانان!) بدانید که همه غنائمی را که فراچنگ می‌آورید، یک پنجم آن متعلق به خدا و پیغمبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینها و در راه ماندگان است. اگر به خدا و بدانچه بر بنده خود در روز جدائی (کفر از ایمان، یعنی در جنگ بدر) نازل کردیم ایمان دارید.

حالا این ارتش و امور نظامی و تهیه سلاح و صدها حکم متعلق به جهاد و امور جنگی و اسراء و غیره را چه کسی باید اداره کند و امور آن را بچرخاند؟ آیا چنین کار بزرگی از عهده‌ی اشخاص و گروه‌های متفرق بر می‌آید؟ قطعاً نه. و تنها قدرت حکومتی است که می‌تواند این ماموریت استراتژیک و سیستماتیک را انجام دهد.

علاوه بر این الله تعالی حدودی را تعیین کرده و فرموده: **تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَالَّا تَفْرُجُوهَا** (بقره/۱۸۷) این (احکام) حدود و مرزهای الهی است و بدانها نزدیک نشوید یا **«تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَالَّا تَعْتَدُوهَا»** (بقره/۲۲۹) اینها حدود و مرزهای (احکام) الهی است و از آنها تجاوز نکنید، حالا اگر کسی حد و مرزها را رعایت نکرد و مرز را شکست الله تعالی در موردش می‌فرماید ظالم است: **وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ** (بقره/۲۲۹). و هرکس از حدود و مرزهای الهی تجاوز کند بی‌گمان این چنین کسانی ستمگرند.

حالا این شخصی که حدود الله تعالی و مرزهایی که تعیین کرده را شکسته و مثلاً دچار دزدی شده، یا دچار راه زنی شده، یا دچار بغی شده، یا دچار زنا شده یا دچار القذف شده و یا دچار نوشیدن مشروبات الکلی شده؛ در تمام این موارد الله تعالی میزان حدی که باید بر آنها اجرا شود را تعیین کرده است و کسی نمی‌تواند این حدود الله را ببخشد یا چیزی از آنها کم کند یا این حدود را با چیز دیگری عوض کند. مثلاً:

- در مورد کسی که به زنان پاک دامن تهمت می زند الله تعالی می فرماید: «وَالَّذِينَ يَزُمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا. وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور / ۴) کسانی که به زنان پاکدامن نسبت زنا می دهند ، سپس چهار گواه (برای اثبات ادعای خود) نمی آورند، بدیشان هشتاد تازیانه بزیند، و هرگز گواهی دادن آنان را (در طول عمر بر هیچ کاری) نپذیرید، و چنین کسانی فاسق هستند .

حالا : چه نهادی باید این حکم را اجرا کند؟ آیا هر کسی می تواند بلد شود و این حکم را اجرا کند؟ یا هر گروهی می تواند این حد را بر شخص مجرم اجرا کند؟ قطعاً نه . اجرای این حدود تنها کار قدرت حکومتی یک از «۳ ابزار» برتر<sup>۲</sup> است.

- یا الله تعالی در مورد اشخاصی که مرتکب جرم دزدی می شوند می فرماید: **وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ** (مائده/۳۸) دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید، این عقوبتی است که خدا مقرر کرده و خدا مقتدر و به مصالح انسانها توانا و حکیم است .

در صورتی که شخصی متهم به دزدی شد آیا نهادی قضائی برای اثبات جرم لازم نیست؟ حالا اگر جرم هم اثبات شد چه کسی باید دست این دزد را قطع کند؟ آیا هر فردی یا گروهی می تواند این کار را انجام دهد؟ قطعاً نه . این کار تنها از عهده ی قدرت حکومتی و نهاد قضائی و اجرائی آن بر می آید.

- یا الله تعالی در مورد حکم راه زنان می فرماید: **إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا كَيْفَ كَسَبُوا** (بر حکومت اسلامی و قانون شریعت الله در قرآن و سنت می شورند به این شکل) با خدا و پیغمبرش می جنگند ، و در روی زمین دست به فساد می زنند ، این است که **أَنْ يُقْتَلُوا** (در برابر کشتن مردم) کشته شوند ، **أَوْ يُصَلَّبُوا** یا (در برابر کشتن مردم و غصب اموال (به دار زده شوند، **أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيَهُمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ** یا (در برابر راهزنی و غصب اموال ، تنها ( دست و پای آنان در جهت عکس یکدیگر بریده شود **أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ**، و یا این که (به خاطر

---

<sup>۲</sup> این سه ابزار عبارتند از : ۱- خلافت علی منتهج النبوة که اولین و مهمترین ابزار و وسیله ست (مثل حکومت رسول الله صلی الله علیه وسلم و خلفای راشدین رضی الله عنهم) ۲- حکومت بدیل اضطراری اسلامی که در زمان نبود خلافت علی منتهج النبوة انجام وظیفه می کند (مثل حکومت امویها و عباسی ها و عثمانی ها و ...) ۳- شورای واحد مجاهدین که در صورت نبود خلافت علی منتهج النبوة و حکومت بدیل اضطراری اسلامی انجام وظیفه می کند .

راهزنی و تهدید، تنها) از جائی به جائی تبعید شوند. **ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ** (مانده/۳۳) این رسوائی آنان در دنیا است، و برای ایشان در آخرت مجازات بزرگی است.

به نظر شما جنگیدن با این اشخاص یا دستگیر کردن این اشخاص و دادگاهی کردن این اشخاص و اجرا کردن این احکام بر این اشخاص مجرم کار افراد متفرقه و گروههای متفرق است؟ قطعاً نه. این تنها کار قدرت حکومتی است بالاتر از افراد و گروههاست.

- یا الله تعالی در مورد اهل بغی می فرماید: **وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصِلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الآخَرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ** (حجرات/۹) هرگاه دو گروه از مؤمنان با هم به جنگ پرداختند، در میان آنان صلح برقرار سازید. اگر یکی از آنان در حق دیگری بغی کند و تعدی ورزد (و صلح را پذیرا نشود)، با آن دسته‌ای که بغی و تعدی می کند بجنگید تا زمانی که به سوی اطاعت از فرمان خدا برمی‌گردد و حکم او را پذیرا می‌شود.

آیا غیر از قدرت حکومتی افراد یا گروههای دیگر می توانند با اهل بغی بجنگند؟ قطعاً نه. تنها با قدرت حکومتی می توان با قدرت اهل بغی وارد جنگ شد. ماوردی شافعی رحمه الله می گوید: این آیه اصلی است که در جنگ با اهل بغی می توان از آن استفاده کرد. و ابن عابدین حنفی هم می گوید: اینها اهل بغی کسانی هستند که به خاطر تاویل اشتباه بر علیه اهل عدل شورش می کنند و اگر مسالهی تاویل نبود و تاویلی نداشتند در این صورت اینها قطاع و راه زن هستند.<sup>۳</sup> اهل بغی مثل خوارج یا اهل جمل که امیر مومنین علی ابن ابی طالب رضی الله عنه در موردشان گفته: **إِخْوَانُنَا بَعُؤُوا عَلَيْنَا**.<sup>۴</sup> یا مثل اهل صفین.

- یا الله تعالی در مورد شخص زناکار غیر محصن می فرماید: **الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ** (نور/۲) هر یک از زن و مرد زناکار (آزاد و ازدواج ناکرده) را صد تازیانه بزنیید و در (اجرای قوانین و حدود) دین خدا رأفت (و رحمت) نسبت بدیشان نداشته باشید، اگر به الله و روز قیامت ایمان دارید.

<sup>۳</sup> قال الماوردي: هذه الآية هي أصل ما ورد في قتال أهل البغي. العلامة ابن عابدین رحمه الله من الحنفية: والبيعة هم - كما في الفتح - قوم مسلمون خرجوا على إمام العدل ولم يستبجوا ما استباحه الخوارج من دماء المسلمين وسبي ذراريهم، والمراد خرجوا بتأويل، وإلا فهم فُطَّاع. وفي الاختيار: أهل البغي كل فئة لهم منعة يتغلبون ويجمعون ويقاتلون أهل العدل بتأويل، يقولون: الحق معنا ويدعون الولاية. اه  
<sup>۴</sup> البداية والنهاية ۳۰۰/۷

آیا افراد و گروهها می توانند به جای قاضی چنین جرم سنگینی را ثابت کنند؟ بعد از اثبات جرم آیا افراد و گروهها می توانند مجری این حکم شوند؟ قطعاً نه . اجرای این حد تنها از عهده ی قدرت حکومتی بر می آید.

- یا الله تعالی در مورد کسی که مرتکب نوشیدن مشروبات مست کننده شده می فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ** (مائده/۹۰) ای مؤمنان ! خمر (مشروبات الکلی) و قماربازی و بتان و تیرها (بخت آزمائی) پلیدند و عمل شیطان می باشند . پس از ( این کارهای ) پلید دوری کنید تا این که رستگار شوید .

اگر کسی از نوشیدن مست کننده و این جرورها دوری نکرد و آن را انجام داد چه ؟ چه نهادی باید این احکام الله تعالی را در مورد این مجرمین اجرا کند؟

اینها حدود الله تعالی هستند و نیاز حیاتی به وجود دستگاه قضائی دارند و مطلقاً هیچ گونه عفو و گذشت و شفاعتی یا **بخصوص جایگزینی** جایز نیست، چون اینها حق الله تعالی هستند؛ عده ای از جاهلان و بخصوص دارودسته ی منافقین با مطرح کردن اصطلاح مقاصد شریعت سعی دارند برای این حقه های الله تعالی جایگزینی قرار دهند و مردم را به حاکمیت کفار سکولار محلی راضی کنند اما جایگزینی برای این حقه های الله مثل جایگزینی برای نماز است و چنین کاری تحت هیچ شرایطی جایز نیست . اما در کنار این حدود و حقه های الله ما شاهد جرائم دیگری چون قصاص هستیم که امکان اینکه با دیه تغییر کند یا حتی بدون مقابل و دیه ای از آن کلاً گذشت شود وجود دارد، چون قصاص حق انسان است.

الله تعالی در مورد قصاص فرموده : **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى** ای کسانی که ایمان آورده اید!، قصاص بر شما فرض شده است: **الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَى بِالْأُنثَى** آزاد در برابر آزاد ، و برده در برابر برده ، و زن در برابر زن است . **فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ** پس اگر کسی از ناحیه برادر ( دینی ) خود ، گذشتی شد باید نیک رفتاری شود و پرداخت ( دیه ) با نیکی انجام گیرد. **ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ** این تخفیف و رحمتی است از سوی پروردگارتان . **فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ** (بقره/۱۷۸) پس اگر کسی بعد از آن تجاوز کند ( و از قاتل انتقام بگیرد ) او را عذاب دردناکی خواهد بود .

دیدیم که الله تعالی در شریعتش برای ما روشن می کند که اگر کسی امنیت شخص دیگری را خدشه دار کرد باید مجازات شود و حدود آن را مشخص می کند؛ و مشخص می کند که در حدود الله تخفیف و بخشش

و جایگزینی وجود ندارد بر خلاف حق الناس که هم تخفیف در آن وجود دارد و هم جایگزینی و هم بخشش .

نکته ی دیگر اینکه : در اینجا الله تعالی برای قاتل و زناکار و تهمت زن و ... قواعد کلی را تعیین کرده است، اما نباید انتظار داشت که الله به ما بگوید قاتل یا دزد یا تهمت زن و غیره کدام شخص است؟. شریعت الله می گوید مثلاً اگر قتلی به شکل عمدی اتفاق افتاد، قاتل را می شود قصاص کرد یا دیه گرفت یا بخشید. حالا برای اینکه بفهمید قاتل کیست، باید بروید دانشکده ی پلیس تأسیس کنید و با شیوه های جدید کشف جرم آشنا شوید و آن را در اختیار دستگاه قضائی قرار دهید . حالا این دستگاه قضائی توسط چه نهادی غیر از حکومت می تواند به وظایفش عمل کند؟

در برخورد با کفار اهل کتاب هم از آنها جزیه گرفته می شود، چه نهادی غیر از حکومت می تواند این جزیه را بگیرد؟ مگر ممکن است در حکومتی غیر اسلامی این حکم جزیه را اجراء کرد؟ اصلاً جزیه زمانی معنی پیدا می کند که دولت و حکومتی اسلامی وجود داشته باشد که با این دسته از کفار قراردادی بسته باشد. بدون وجود قدرت حکومتی جزیه مثل دهها حکم دیگر قابل اجرا نیست.

این دسته از قوانین اقتصادی و امنیتی و نظامی و احکام قضائی و مجازاتهای جرایم و تخلفات و تعزیرات و قوانین متعلق به معاملات، احوال شخصی و قوانین متعلق به امور بین المللی و ... چه معنی می تواند داشته باشد؟

صدها حکمی که در قرآن و سنت صحیح آمده اند با صدای رسا فریاد می زنند که : باید حکومتی تشکیل گردد تا در چهار چوبه ی حاکمیت این حکومت این احکام پیاده شوند، و بدون داشتن حکومت تمام این احکام تعطیل می شوند، چون اینگونه احکام خارج از دایره ی حکومتی و قدرت اجرائی حکومتی قابل اجراء نیستند و بدون اجرای این حدود و قصاص و تعزیرات نه دین کامل با آن چهار معنی و مفهومش محافظت می شود و نه دنیای مومنین .

بدون اجرای این حدود و قصاص و تعزیرات به سادگی دین، جان و ناموس و عقل و مال مومنین در معرض تهدید قرار می گیرد و بدون داشتن قدرت نظامی و حکومتی خود دارالاسلام نیز در معرض خطر و نابودی قرار می گیرد، و بدون داشتن دارالاسلام و قدرت حکومتی بعضی از مراحل امر به معروف و نهی از منکر که نیاز به شدت عمل و توسل به زور، و حتی اقدام مسلحانه نظامی دارد طی نمی شود؛ و در نهایت بازکردن و هموار کردن راه جهت آزادی عمل به قانون شریعت الله در سراسر جهان و آزاد

سازی زمین از تسلط «کفار ۶ گانه» ی آشکار، هرگز با توصیه و نصیحت و اندرزهای اخلاقی انجام نمی شود، این حکومت است که باید به میدان بیاید و به حاکمیت «کفار ۶ گانه» ی آشکار بر زمین خاتمه بدهد، چون این دین باید بر تمام زمین حاکمیت داشته باشد چنانچه رسول الله صلی الله علیه وسلم می فرماید:

أُعْطِيَتْ حَمَسًا لَمْ يُعْطَهُنَّ أَحَدٌ قَبْلِي: پنج چیز به من عطا شده است که قبل از من، به هیچ پیامبری عطا نشده است: نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ مَسِيرَةَ شَهْرٍ، ۱- از مسافت يك ماه، دشمنانم دچار ترس و وحشت میشوند.

وَجَعَلْتُ لِي الْأَرْضَ مَسْجِدًا وَطَهُورًا فَأَيْنَمَا أَدْرَكَ الرَّجُلُ مِنَ أُمَّتِي الصَّلَاةَ يُصَلِّي (فَأَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ أُمَّتِي أَدْرَكَهُ الصَّلَاةَ فَلْيُصَلِّ)، ۲- زمین برای من مسجد و پاک قرار داده شده است. بنابراین این، هر کجا وقت نماز فرارسید، امتیانم می توانند همانجا و نماز بخوانند. وَأَجَلْتُ لِي الْمَعَانِمَ وَلَمْ تَجَلِّ لِأَحَدٍ قَبْلِي، ۳- مال غنیمت برای من حلال گردانده شده است در حالی که قبل از من، برای هیچ پیامبری، حلال نبوده است وَأُعْطِيَتْ الشَّفَاعَةَ، ۴ - حق شفاعت به من عنایت شده است وَكَانَ النَّبِيُّ يُبْعَثُ إِلَى قَوْمِهِ خَاصَّةً وَبُعِثْتُ إِلَى النَّاسِ عَامَّةً. ۵- هر پیامبری فقط برای قوم خودش فرستاده شده است در حالی که من برای تمام مردم دنیا مبعوث شده ام.

در کنار اینها که ضرورت تشکیل حکومت اسلامی را فریاد می زنند، ملاک و معیار و مناط تشخیص دارالاسلام از دارالکفر «قانون اساسی» است و رهبری هم که بر دارالاسلام تعیین می شود باید دارای شروطی باشد و مجری قانون شریعت الله باشد که تنها در سایه ی قدرت حکومتی می تواند به این وظایف عمل کند و این حکومت هم با شورا و نظارت عمومی به پیش می رود.

در این صورت بسیاری از مسایل شرعی از قبیل: اجرای حدود، قصاص و... موقوف به موجودیت دارالاسلام و دولت و حکومت اسلامی و امام و رهبر بسته است، و طبق قاعده ی: «مَالَايْتُمْ الْوَاجِبُ إِلَّا بِهِ فَهُوَ وَاجِبٌ» اقامه ی دولت و حکومت اسلامی و تعیین رهبریت مجتهد و فقیه برای دارالاسلام نیز واجب است.

پس تشکیل حکومت اسلامی در دارالاسلام واجبی است مثل سایر واجبات که بسیاری از واجبات هم با وجود این واجب انجام می شوند. یعنی همچنانکه وضو و نماز واجب هستند اما نماز واجب با وضو انجام می شود و حکومت اسلامی برای انجام بسیاری از واجبات حکم وضو یا تیمم را دارد. الله تعالی می فرماید: «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا» (بقره/ ۲۱۳) پس خداوند

پیغمبران را برانگیخت تا ( مردمان را) بشارت دهند و بترسانند . و کتاب که مشتمل بر حق بود و به سوی حقیقت دعوت می‌کرد، بر آنان نازل کرد تا در میان مردمان راجع بدانچه اختلاف می‌ورزیدند حکم کنند .

در این صورت قانونی که باید با آن حکم کرد باید قوانینی باشند که الله تعالی نازل کرده نه قوانین بشری که پیشنهاد خائنین به دین الله و بندگان الله است. تعالی می‌فرماید: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا» (نساء/ ۱۰۵) ما کتاب (قرآن را) به حق بر تو نازل کرده‌ایم تا میان مردمان طبق آنچه خدا به تو نشان داده است داوری کنی، و مدافع خائنان مباش.

پس حواست به خائنین باشد و از خائینی که می‌خواهند قوانین دیگری را جایگزین قانون شریعت الله کنند دفاع نکن، هر کسی که بخواهد قانونی غیر از قانون شریعت الله را جایگزین قانون شریعت الله کند خائن به الله و دین الله و بندگان الله است . پس از خائنین دفاع نکن «وَلَا تَكُنْ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا» حتی در حاکمیت بر مردم و تطبیق قانون شریعت الله نباید کوچکترین قانون را به خاطر هوا و هوس سکولاریستها و سایر دشمنان کنار گذاشت و نباید به خواسته های هواپرستان اهمیت داد. الله تعالی می‌فرماید: «وَأَنِ احْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَدَر مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَاحْذَرُوا أَن يَفْتِنُوكَ عَن بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَازْأَنَ بَرَحْزَر بَاش كَه (با کذب و حق‌پوشی و خیانت و غرض‌ورزی) تو را از برخی چیزهایی که خدا بر تو نازل کرده است به دور و منحرف نکنند. فَإِن تَوَلَّوْا فَاَعْلَمُ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِن كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ» (مائده/ ۴۹) پس اگر ( از حکم خدا رویگردان شدند و به قانون خدا) پشت کردند، بدان که خدا می‌خواهد به سبب پاره‌ای از گناهانشان ایشان را دچار بلا و مصیبت سازد. بیگمان بسیاری از مردم فاسق هستند( و از قوانین شریعت الله سرپیچی می‌کنند)

و الله تعالی باز به عنوان بشارتی به مستضعفین می‌فرماید: « وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ خَدَاوَنَد بَه كَسَانِي از شَمَا كَه اِيْمَان اَوْرَدَهْ اَنَد و كَارَهَاي شَايِسْتَه اَنجَام دَاَدَهْ اَنَد، و عده می‌دهد كه اَنان را قَطْعاً جَايْگَزِيْن در زَمِيْن خَوَاَد كَرَد هِمَان كَوْنَه كَه پِشِيْنِيَان ( دادگر و مؤمن ملت‌های گذشته) را جَايْگَزِيْن ( طاغیان و ياغيان ستمگر ) قَبْل از خُود كَرَدَه اَسْت ( و حَكُومَت و قَدْرَت را بَدانان بَخْشِيْدَه اَسْت ) . وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا هَمچِيْن اَثِيْن (اسلام) اِيْشان را كَه بَرای اَنان می‌پسندد، حتماً (در زمين) پابرجا و برقرار خواهد ساخت ، و نيز خُوف و هراس اَنان را بَه اَمْنِيَّت و آرامش مَبْدَل می‌سازد، يَعْْبُدُونِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا مَرَا عِبَادَت می‌کنند و



چیزی را شریک نمی‌گردانند. وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور/ ۵۵) بعد از این (و عده راستین ( کسانی که کافر شوند، آنان فاسقین حقیقی هستند.

بی شک بدون تشکیل حکومتی اسلامی، نمی‌توان به تمامی اجزا دین عمل کرد و خوف و نگرانی مومنین بدون داشتن قدرت نظامی و حکومتی به امنیت تبدیل نخواهد شد.

بر این اساس اصل حاکمیت شریعت الله چیزی نبوده که در دیپلماسی با کفار بر سر آن معامله ای صورت گیرد و یا نادیده گرفته شود. رسول الله صلی الله علیه وسلم راضی نشد که در مکه حاکمیت در اختیار خودش باشد به شرطی که یک سال حکومت بر اساس قانون شریعت الله اداره شود و سال دیگر بر اساس قوانین سکولاریستها (به زبان عربی = مشرکین) حالا چگونه راضی می شود که کلاً حاکمیت و قوانین را به سکولاریستها و سایر کفار تحویل دهد و بر سر آن وارد معامله شود؟

سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته